

تأثیر درآمدهای نفت بر نهادها: رویکرد PVAR

جلیل خداپرست شیرازی*

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱

چکیده:

هدف از این مطالعه بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر عملکرد نهادها در کشورهای صادرکننده نفت بوده است. در این راستا از داده‌های ۱۸ کشور نفتی طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۶ و الگوی خودتوضیح برداری پانل (PVAR) استفاده شده است. سپس الگوی مورد مطالعه شامل چهار متغیر رشد اقتصادی، تورم، آزادی اقتصادی و درآمدهای نفت و گاز، با استفاده از روش‌شناسی PVAR مورد برآورد قرار گرفت. نتایج آزمون علیت گرنجری نشان می‌دهد، درآمدهای نفتی علیت گرنجری آزادی اقتصادی است. همچنین آزمون شرط ثبات الگو حاکی از باثبات بودن الگوی برآوردی است. در پایان با استفاده از توابع واکنش تکانه‌ای، اثر درآمدهای نفت بر آزادی اقتصادی (و سایر متغیرهای الگو) مورد بررسی قرار داد. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که درآمد نفت در کشورهای صادرکننده نفت، باعث کاهش کیفیت نهادها در این کشورها خواهد شد که می‌تواند اثر منفی بر رشد اقتصادی نیز داشته باشد.

طبقه‌بندی JEL: O43, E31, C01

واژه‌های کلیدی: الگوی PVAR، تورم، درآمدهای نفت، رشد اقتصادی، نهادها

* عضو هیات علمی گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
(jkshirazi@iaushiraz.ac.ir)

۱- مقدمه

درآمدهای حاصل از منابع طبیعی به‌ویژه نفت و اثرات متعدد آن بر ابعاد مختلف اقتصاد، به‌واسطه شوک نفتی اواخر دهه ۱۹۷۰، یکی از موضوعات مورد توجه اقتصاددانان بوده است. پایین بودن رشد اقتصادی علی‌رغم افزایش درآمدهای حاصل از فروش نفت، یکی از تناقض‌های ادبیات رشد اقتصادی محسوب می‌شود. گرچه انتظار بر این است که افزایش درآمدهای نفت، منجر به افزایش رشد اقتصادی شود، اما شواهد تجربی نشان از رابطه‌ای معکوس داشته است. وفور منابع طبیعی به‌ویژه نفت اغلب با رشد اقتصادی پایین، فقر و بیکاری همراه بوده است. در قرن نوزدهم و بیستم، کشورهای با منابع طبیعی فقیر مانند سوئیس و ژاپن از کشورهای با منابع طبیعی غنی هم‌چون روسیه پیشی گرفتند. وفور منابع طبیعی اثرات نامطلوبی همانند کاهش رقابت‌پذیری بخش‌های اقتصادی (بواسطه تقویت نرخ ارز حقیقی)، بی‌ثباتی درآمدهای حاصل از صادرات منابع، عدم مدیریت صحیح درآمدها، شکل‌گیری نهادهای ضعیف، ناکارا و فاسد را به‌همراه داشته است (بوشی و همکاران^۱ ۲۰۱۲). این پدیده در ادبیات اقتصادی، به نفرین منابع^۲ شهرت یافته است.

مطالعات انجام شده در مورد نفرین منابع یا بر پایه مکانیزم‌های اقتصادی و عمدتاً در قالب آزمون فرضیه بیماری هلندی و یا بر پایه مکانیزم‌های سیاسی بوده است. فرضیه بیماری هلندی در بسیاری از مطالعات^۳ تایید شده است البته مطالعات اخیر حقایق جدیدی را آشکار کرده است. این مطالعات^۴ اثر مثبت وفور منابع بر توسعه و رشد اقتصادی را تایید کردند. لذا اگرچه در ادبیات اولیه وجود یک رابطه منفی بین تولید حقیقی سرانه و وفور منابع نشان داده شد، اما شواهد جدیدتر چندان روشن و واضح نیستند. «در بررسی این شواهد دو نکته وجود دارد، نخست اینکه در ادبیات اولیه از تحلیل بین‌کشوری استفاده شده است، که اشکال در نظر نگرفتن ناهمگنی پویا و خطای وابستگی بین مقطعی را داشت و این می‌تواند باعث ارباب نتایج شود. دوم اینکه، تحلیل اولیه اثر بی‌ثباتی درآمدهای نفت بر رشد اقتصادی را نادیده گرفته

¹ Ushie *et al.* (2012)

² Resource Curse

³ Rodriguez and Sachs (2000). Auty and Evia (2001). Auty (1994). Mikesell (1997). Fardmanesh (1991). Timmer (1994). Bienen (1983). Wood and Oliveira (2003). Auty (1997). Gylfason (2001) and Sachs and Warner (1995, 1999, 2001)

⁴ Arezki and van der Ploeg (2007). Cavalcanti *et al.* (2012). Esfahani *et al.* (2012b). Leong and Mohaddes (2011). van der Ploeg and Poelhekke (2010).

است. شواهد حاکی از آن است که وفور منابع اثر مثبت بر رشد داشته اما بی‌ثباتی درآمدهای نفت، اثر منفی بر رشد دارد» (محدث و پسران،^۵ ۲۰۱۳).

از طرف دیگر در مطالعات بسیاری^۶ نیز مکانیزم‌های سیاسی برای توضیح پدیده نفرین منابع مورد تأکید واقع شده است. در این مطالعات بر نقش نهادها در توضیح نفرین منابع تأکید ویژه‌ای شده است. لذا نقش نهادها کاملاً مشخص بوده است. یکی از تعاریفی که برای نهاد وجود دارد بیان می‌کند: نهاد مجموعه‌ای از قواعد، روش‌های ایجابی و هنجارهای رفتاری اخلاقی طراحی شده جهت محدود کردن رفتار انفرادی در حداکثر کردن ثروت یا مطلوبیت است (نورث^۷، ۱۹۸۱). این محدودیت‌ها بایستی به شکل منطقی، همیشگی یا پایدار باشند (گلاسر^۸، ۲۰۰۴).

بنابراین آنچه مشخص است عمدتاً نقش نهاد در اثرگذاری درآمد منابع مورد بررسی قرار گرفته است. بسیاری از مطالعات انجام گرفته در داخل نیز عمدتاً بر نقش نهادها و یا حکمرانی در اثرگذاری درآمدهای نفتی تأکید داشتند، یا اینکه تأثیر درآمدهای نفتی بر حکمرانی بررسی شده است. از آنجا که میان حکمرانی و نهادها تفاوت وجود دارد، سوال اصلی این پژوهش این بوده است که تأثیر درآمدهای نفت را بر کیفیت نهادها در کشورهای صادرکننده نفت مورد بررسی قرار دهد. برا این اساس، پژوهش حاضر در پنج‌قسمت تنظیم شده است. در ادامه به ارائه مبانی نظری و تجربی مرتبط پرداخته شده است. در قسمت سوم روش تحقیق شامل الگوهای خودتوضیح برداری پانل معرفی گردیده است. در قسمت چهارم نتایج برآورد مدل گزارش شده و نهایتاً نتیجه‌گیری تحقیق ارائه شده است.

۲- مبانی نظری و تجربی

۲-۱- تعاریف

ابتدا تعاریفی از حکمرانی و نهادها بیان می‌شود تا تمایز میان این دو مفهوم روشن‌تر گردد.

⁵ Mohaddes and Pesaran (2013)

⁶ Mehlum, *et al.* (2006), Isham, *et al.* (2001), Sala-I-Martin and Subramanian (2003), Auty (2007), Bulte *et al.* (2005), Hodler (2006).

⁷ North, D. C. 1981

⁸ Glaeser, *et al.* 2004

حکمرانی^۹: «تمامی فرایندهای حکومت‌داری که تحت اراده دولت است، خواه در بازار یا شبکه، خواه برای خانوار، قبیله، ارگانهای رسمی یا غیررسمی و خواه بواسطه قانون، هنجارهای، قدرت یا زبان باشد». این مترادف با «فرایند مداخله و تصمیم‌گیری میان عواملی است که درگیر یک مسأله مشترک هستند که منجر به ایجاد، وضع مجدد یا تولید مجدد هنجارها و نهادهای اجتماعی می‌شود». البته میان عبارت دولت و حکمرانی تمایز وجود دارد. دولت مجموعه‌ای رسمی است که در یک سیستم سیاسی معین، با اخذ صلاحیت به تصمیم‌گیری می‌پردازد. اما فرایند حکمرانی که شامل تمام عوامل درگیر اثرگذار در فرایند تصمیم‌گیری (شامل گروه‌های فشار، اصحاب دعوی، رسانه‌ها) است، در هیئت حاکمه مربوطه متمرکز شده است. خواه این نهاد یک موجودیت جغرافیای سیاسی، شرکتی، اجتماعی-سیاسی و یا یک موجودیت غیررسمی داشته باشد، حکمرانی آن در چارچوب قوانین، هنجارها و جریان‌ها ایجاد، حفظ و نگهداری و قانون‌گذاری می‌شود. درجه رسمیت بستگی به قوانین داخلی ارگان خاص دارد (بویر، ۲۰۱۳؛ هوفتی، ۲۰۱۱).^{۱۰}

در مورد نهاد عموماً تعریف مشخصی برای «نهاد» وجود ندارد، به همین خاطر در ادبیات دانشگاهی، تفاسیر مختلفی از آن دیده می‌شود. تعریف لغوی عبارت است از: «یک قانون، رسم یا عمل محقق‌شده» که نقطه شروع خوبی است. مباحث نظری بین نهاد رسمی (قوانین، قواعد رسمی، قراردادهای، استانداردها، روش‌ها) و غیررسمی (هنجارهای اجتماعی، سیستم‌های اعتقادی) تمایز قائل هستند.

یکی از تعاریفی که برای نهاد وجود دارد بیان می‌کند: نهاد مجموعه‌ای از قواعد، روش‌های ایجابی و هنجارهای رفتاری اخلاقی طراحی شده جهت محدود کردن رفتار انفرادی در حداکثر کردن ثروت یا مطلوبیت است (ثورث، ۱۹۸۱). این محدودیت‌ها بایستی به شکل منطقی، همیشگی یا پایدار باشند (گلاسر، ۲۰۰۴).

بهرحال مفهوم یک نهاد دربرگیرنده چند عنصر است: قوانین رسمی یا غیررسمی رفتاری، راه‌ها و ابزار اجرای این قوانین، روش‌هایی برای میانجی‌گری در درگیری‌ها، تحریم‌ها در موارد تخطی از قوانین و ارگان‌های حمایت‌کننده تراکنش‌های بازار، نهادها با توجه به چگونگی این ویژگی‌ها، توسعه‌یافته یا غیرتوسعه‌یافته محسوب

⁹ Governance

¹⁰ Bevir (2013), Hufty (2011)

می‌شوند. آنها می‌توانند افراد را تشویق به تجارت، سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و انسانی کنند و باعث ایجاد انگیزه در تحقیق و توسعه شوند.

کیفیت نهادی به عنوان یک جز مهم برای یک بازار خوش-عملکرد محسوب می‌شود. فعالیت‌های بازار شامل مداخلات انسانی و نهادهای برای کاهش ناطمینانی‌های برآمده از اطلاعات ناقص مربوط به رفتار انفرادی است. نهادهای دارای چندین مکانیزم عمل هستند.

- نهادهای عدم تقارن اطلاعات را بواسطه شرایط بازار، کالاها و مشارکت‌کنندگان کاهش می‌دهند.
- نهادهای با تعریف و اجرای حقوق مالکیت و قراردادهای، ریسک را کاهش می‌دهند، آنها تعیین‌کننده چه کسی، چه چیزی، چه زمانی هستند.
- نهادهای فعالیت‌های سیاست‌مداران و گروه‌های ذینفع را محدود می‌کنند و آنها را مجبور به پاسخگویی به شهروندان می‌کنند (برگر و لوکمن، ۱۹۹۶؛ چانگ، ۲۰۰۷)^{۱۱}.

بنابراین نهادهای تأثیر قابل توجهی بر فعالیت‌های اقتصادی خواهند داشت.

۲-۲- تمایز میان نهاد و حکمرانی

برخی نویسندگان نهاد را به عنوان سیستم حقوق، قوانین، روش‌های تصمیم‌گیری و برنامه‌هایی می‌دانند که عملکرد اجتماعی را بهبود می‌بخشد، نقش‌هایی را برای گروه‌های حکمرانی طراحی می‌کند و راهنمایی برای مداخلات میان عاملان گره‌های مربوطه است (یانگ^{۱۲}، ۲۰۰۵). در جامع‌ترین شکل، نهادهای فراهم‌کننده مقررات، کاهش‌دهنده ناطمینانی و شکل‌دهنده مداخلات گره‌های حکمرانی بواسطه ایجاد محیطی کنترلی و توانا جهت تسهیل موانع قانونی و حکمرانی کارا است (کویمان و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۵، چونپاگدی و سانگ^{۱۴}، ۲۰۱۲).

اما حکمرانی را «ساختارها، فرایندها و سنت‌هایی می‌دانند که تعیین می‌کند چگونه قدرت و پاسخ‌گویی عمل می‌کنند، چگونه تصمیمات گرفته می‌شوند و چگونه شهروندان و یا سایر ذینفعان حرف‌شان را بزنند. حکمرانی یک کارکرد اجتماعی است

¹¹ Berger and Luckmann (1966), Chang (2007)

¹² Young, 2005

¹³ Kooiman *et al.* 2005

¹⁴ Chuenpagdee and Song, 2012

که شامل تثبیت و مدیریت حقوق، قوانین و روش‌های تصمیم‌گیری برای سیستم‌های بوم‌شناختی-اجتماعی به‌همراه خط‌مشی‌هایی است که مجموعاً مناسب باشد (گراهام و همکاران،^{۱۵} ۲۰۰۳، دلماس و یانگ،^{۱۶} ۲۰۰۹، سانگ،^{۱۷} ۲۰۱۲).

به‌نظر می‌رسد نهاد عمومی‌تر از حکمرانی باشد. در اقتصاد جدید به‌طور حتم حکمرانی درگیر نهادها است اما نهادها همواره به‌طور مستقیم درگیر حکمرانی نیستند.

تمایز بین سیاست‌ها و نهادها نیز مهم می‌باشد. برانشویلر و بالت^{۱۸} (۲۰۰۸) از دو روش برای ارزیابی نهادها استفاده کرده‌اند. یکی اینکه نهادها را ویژگی‌های عمیق و ماندگار جوامع می‌داند که به‌طور سنتی در مطالعات نفرین منابع مورد استفاده قرار گرفته است و دیگری نهادها را بازتاب دهنده‌ی یک جریان از برآیندهای سیاست‌ها می‌داند. در همین زمینه پاپیراکیس و گرلاق^{۱۹} (۲۰۰۷) شواهدی از وجود نفرین منابع در بین مناطق آمریکا پیدا نمودند. آنها دریافته‌اند که فراوانی منابع (که با سهم بخش مواد اولیه در محصول ناخالص ایالت اندازه‌گیری می‌شود)، فساد (که با نهادهای ضعیف همبسته می‌باشد) را تقویت می‌کند، سرمایه‌گذاری، تحصیل و تحقیق و توسعه را می‌کاهد.

۲-۳- مکانیزم‌های سیاسی نفرین منابع

همانطور که در متن منتشر شده توسط بانک جهانی نیز تأکید شده است، امروزه یک اجماع در حال رشد در مورد اهمیت نهادها در توضیح نفرین منابع وجود دارد (هارتفورد و کلین^{۲۰} (۲۰۰۵)). می‌توان دیدگاه‌های موجود در توضیح مکانیزم‌های نهادی را به دو دسته تقسیم نمود. نخست دیدگاهی که بروز و یا عدم بروز نفرین منابع را مشروط به کیفیت نهادی می‌کند. برای مثال مهلوم و همکاران^{۲۱} (۲۰۰۶a,b) نتیجه می‌گیرند که نهادهای بهتر می‌توانند از نفرین منابع جلوگیری کنند. دوم دیدگاهی که وجود منابع طبیعی را موثر بر نهادها می‌داند. در این دیدگاه با نهادهای

¹⁵ Graham *et al.*

¹⁶ Delmas and Young

¹⁷ Young

¹⁸ Brunnsweiler and Bulte

¹⁹ Papyrakis and Gerlach

²⁰ Hartford and Klein

²¹ Mehlum *et al.*

درونزا تشخیص داده می‌شود، که منابع طبیعی بافت نهادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، که در بافت نهادی نوع دولت و کیفیت سیاست‌ها جنبه‌های اصلی هستند (آوتی^{۲۲} (b, 2001a)، رز (2001)، آتکینسون و هامیلتون^{۲۳} (2003)). برای مثال لیت و ویدمن^{۲۴} (2002) هیچ اثر مستقیمی از فراوانی منابع بر رشد اقتصادی از ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ نیافته‌اند، اما یک اثر مهم غیرمستقیم را نشان داده‌اند که در آن منابع بر نهادها اثر می‌گذارند.

این دیدگاه بوسیله ایشام و همکاران^{۲۵} (2005) و سالای مارتین و سابرامانیان^{۲۶} (2003) که اثر منابع طبیعی بر شاخص‌های عمده‌ی کیفیت نهادی و سیاست‌ها را بررسی نمودند، تأیید شد. این محققان تأیید کردن که برای یک سطح معلوم از کیفیت نهادی، فراوانی منابع طبیعی هیچ اثر مستقیمی بر رشد ندارد. در حالی که این فراوانی به طور غیرمستقیم از طریق کیفیت نهادی، رشد را می‌کاهد ولی صرفاً هنگامی که منابع مانند نفت به لحاظ جغرافیایی متمرکز هستند (این توده‌های منابع همچنین به عنوان نقاط منبعی نیز شناخته می‌شود). یعنی، این مطالعات نفرین منابع را از طریق اثر منفی منابع متمرکز بر کیفیت نهادها شرح می‌دهند.

مکانیزم‌های سیاسی برای نفرین منابع را نیز می‌توان با رویه فوق تقسیم‌بندی نمود. روش‌های بینشی، اجتماعی و دولتی برای بررسی نفرین منابع هر کدام، رانت منابع را به عنوان یک متغیر مستقل و رکود اقتصادی را به عنوان متغیر وابسته خود تلقی می‌کنند. بر اساس تئوری‌های بینشی، درآمدهای بادآورده یک عارضه‌ی نزدیک‌بینی را بین سیاستگذاران پدید می‌آورد، تئوری‌های اجتماعی بیان می‌کنند که درآمدهای بادآورده گروه‌های اجتماعی را به سمت سیاست‌های مالی و تجاری کندکننده رشد سوق می‌دهد، و طبق روش دولتی، درآمدهای بادآورده می‌توانند نهادهای لازم برای تسریع رشد و توسعه بلندمدت هر کشور را تضعیف کنند. شناخته شده‌ترین دیدگاه سیاسی در مورد نفرین منابع دیدگاه دولتی است که به نوعی همان برداشت تأثیر منابع طبیعی بر نهادها در بخش مکانیزم‌های اقتصادی است. در ادامه سعی خواهد شد این دیدگاه مورد بحث قرار گیرد.

²² Auty

²³ Atkinson and Hamilton

²⁴ Leite and Weidmann

²⁵ Isham *et al.*

²⁶ Sala-i-Martin and Subramanian

اگر سیاستگذاران عقلایی باشند و رفتار فعالین اجتماعی را بتوان یکسان تصور کرد، توضیح اینکه چرا صادرکنندگان منابع طبیعی با این ضعف به معضلات خود پاسخ می‌دهند بسیار مشکل است. احتمالاً این دلیلی است برای اینکه چرا اکثر توجیهات دولت محور برای نفرین منابع در واقع چندگانه هستند و ترکیبی از مباحث بینشی، اجتماعی و نهادی است تا توجیه کنند چگونه رانت‌های منابع طبیعی می‌تواند توانایی دولت‌ها در ارتقاء رشد اقتصادی را مختل کنند. تئوری‌های دولت تحصیلدار^{۲۷} رایج‌ترین تئوری این دسته می‌باشد. تئوری دولت تحصیلدار معتقد است که هنگامی که دولت‌ها عمده‌ی درآمد خود را از منابع خارجی مانند رانت منابع طبیعی یا کمک‌های خارجی به‌دست می‌آورند، آنها از تحمیل مالیات داخلی بی‌نیاز می‌شوند و کمتر از طرف جامعه‌ای که بر آن حکمرانی می‌کنند مورد حسابخواهی قرار می‌گیرند، بنابراین کمتر پاسخ‌گو هستند.

تئوری‌های دولت تحصیلدار بر یک رابطه‌ی علی بین رانت منابع طبیعی و حکمرانی اقتصادی ضعیف تأکید دارند. مهدوی^{۲۸} (۱۹۷۰)، که برای نخستین بار مفهوم دولت تحصیلدار را معرفی نمود، معتقد است که رانت‌های منابع طبیعی دولت‌ها را سطحی‌نگر و ریسک‌گریز می‌کند. چودری^{۲۹} (۱۹۸۹) بیان می‌کند که دولت‌های تحصیلدار نهادهای استخراجی ضعیفی را پایه‌گذاری می‌کند و بنابراین با فقدان اطلاعات لازم برای تدوین استراتژی‌های توسعه مواجه می‌شوند.

در حالیکه شافر^{۳۰} (۱۹۹۷) و کارل^{۳۱} (۱۹۹۷) دیدگاه‌های جدیدی در این نگرش اصلی را ارائه کرده‌اند. شافر و کارل، هر دو بحث می‌کنند که فراوانی منابع، عملکرد نهادها را ضعیف کند. شافر معتقد است که مشخصه‌های بخش پیشرو (صادرات منابع طبیعی) بر ظرفیت نهادی و استقلال اجتماع خود نیز اثر می‌گذارد. شافر بحث می‌کند که هنگامی که یک بخش صادراتی تعداد کمی از بنگاه‌های بزرگ را در خود جا داده است و موانع بزرگی برای خروج و ورود وجود دارد و دارایی‌های خاص زیادی می‌خواهد (مانند بسیاری از صنایع معدنی) این بخش مشکل بزرگتری برای سازگاری با نوسانات بازار بین‌الملل دارد و بیشتر متمایل به جلب کمک دولت است. در سمت

²⁷ Rentier State

²⁸ Mahdavy

²⁹ Chaudhry

³⁰ Schafer

³¹ Karl

دیگر، هنگامی که یک بخش پیشرو صادراتی از تعداد زیادی بنگاه کوچک تشکیل شده است و موانع ورود و خروج کمی وجود دارد، و دارایی‌های خاص کمتری وجود دارد (مانند صنایع سبک و کشاورزی) این بخش بهتر قادر است که خود را با نوسانات بازار بین‌الملل تطبیق دهد. با تعداد زیادی از بنگاه‌ها، این بخش‌های منعطف با احتمال بیشتر با موانعی برای انجام فعالیت‌های اشتراکی مواجه هستند و کمتر متقاضی محافظت از جانب دولت می‌باشند. به عنوان یک نتیجه، این دولت‌ها در زمینه ایجاد نهادهایی برای مالیات‌ستانی، نظارت، تنظیم و ارتقای این بخش‌ها موفق نیستند.

کارل (۱۹۹۷) نیز در کتاب خود از یک روش ترکیبی استفاده می‌کند که از عوامل بینشی، اجتماعی و دولتی برای توضیح چرایی ختم شدن رونق‌های نفتی ۷۴-۱۹۷۳ و ۷۹-۱۹۷۸ به رکود و اغتشاش در بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت کمک می‌گیرد. کارل ادعا می‌کند که وابستگی به درآمدهای نفتی یک چینش نهادی متمایز را ایجاد می‌کند (دولت-نفتی)، که این چینش سبب توزیع سیاسی رانت‌ها می‌شود. چنین دولتی با اتکای مالی بر دلارهای نفتی متمایز می‌شود که این پدیده سبب افزایش اختیارات قانونی دولت‌ها و تضعیف اقتدار آنها می‌شود. در نتیجه، دولتمردانی که به اتکا به مخارج عمومی برای اداره کشور عادت کرده‌اند هنگامی که با فشارهای رقیب مواجه می‌شوند، ظرفیت دولت‌ها بیشتر تضعیف می‌شود. وی با استمداد از تنوع نهادی در مدل دولت تحصیلدار بحث می‌کند که درآمدهای نفتی دولت‌ها را دلگرم می‌کند تا آنها اجازه دهند توانایی‌های استخراجی آنها کم‌رنگ شود (ص، ۱۶). کارل در می‌یابد رونق‌های نفتی ۷۴-۱۹۷۳ و ۷۹-۱۹۷۸ به نحو متناقضی بر نهادهای دولت و نزولاً تأثیر گذاشتند.

به‌طور خلاصه در رابطه با مکانیزم‌های سیاسی نفرین منابع چند نکته را می‌توان بیان کرد: اول، رونق منابع طبیعی نگرش‌های کوتاه‌مدت را به جای چشم‌اندازهای بلندمدت توسعه بر سیاست‌مداران مسلط می‌کند و آنها را به اتخاذ سیاست‌های پوپولیستی تشویق می‌کند، که این منجر به سیاست‌های نامناسب و ناکارا می‌شود. دوم، درآمد منابع طبیعی سبب تقویت بخش‌ها، طبقات و احزاب ذی‌نفعی می‌شود که از سیاست‌های کندکننده رشد سود می‌برند. سوم، در چنین شرایطی اندازه دولت افزایش یافته و از دو کانال، مداخلات ناکارآمد در اقتصاد و تضعیف دموکراسی در جامعه، اثرات نامطلوبی برجای می‌گذارد. نهایتاً این باعث

می‌شود که فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی نیز به فعالیت‌های حمایتی دولت وابسته شود (پسران^{۳۲} ۱۹۸۲). چهارم، دولت در کشورهای با منابع غنی، توجه چندانی به سطح کیفی آموزش ندارد و عمدتاً متمرکز بر سطح کمی و شاخص‌سازی است. همچنین با توجه به عدم احساس نیاز این دولت‌ها به مالیات، پاسخ‌گویی این دولت‌ها نیز کاهش می‌یابد. پنجم، با توجه به اهمیت و نقش نهادها در توسعه اقتصادی، رانت منابع طبیعی تأثیری منفی بر توانایی و کیفیت نهادها در برخورد با درآمدهای سرشار ناشی از افزایش قیمت منابع دارد (ایشام و همکاران^{۳۳} ۲۰۰۱)، سال- مارتین و سابرامانیان^{۳۴} (۲۰۰۳)، مهلوم و همکاران^{۳۵} (۲۰۰۲).

مهلوم و همکاران (۲۰۰۶b) و بلاند و تیاگی^{۳۶} (۲۰۰۹) با استفاده از رویکرد سطح-مقطعی، نشان دادند که چگونگی تأثیر منابع طبیعی بر رشد و توسعه اقتصادی بستگی به کیفیت نهادها دارد، در حالی که بوسچینی و همکاران^{۳۷} (۲۰۰۷) استدلال کردند که نوع منابع طبیعی نیز عامل مهمی است. آنها بحث می‌کنند که کنترل کیفیت نهادی و مداخله بین کیفیت نهادی و وفور منابع ناشی از اثر آستانه‌ای است. نتایج آنها نشان داد که سطوحی از کیفیت نهادی وجود دارد که بالاتر از آن سطح، وفور منابع منجر به بهبود رشد می‌شود و لذا وفور منابع به‌عنوان یک موهبت خواهد بود.

طیبنیا و دیگران (۱۳۹۳) در مطالعه خود به تحلیل نظری و الگوسازی تجربی سازوکار اثرگذاری درآمدهای نفتی بر عملکرد اقتصاد ایران پرداختند. آنها با طراحی یک الگوی تعادل عمومی تصادفی پویای کینزی جدید، سازوکار انتشار تکانه‌های نفتی در کوتاه‌مدت و بلندمدت در اقتصاد ایران را مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه رانت‌جویی و تغییر نهادی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. آنها نتیجه گرفتند در بلندمدت اثر منفی رانت‌جویی و تضعیف نهادی بر اثر مثبت افزایش عرضه کالای عمومی غلبه کرده و موجبات کاهش تولید غیرنفتی را فراهم می‌نماید.

سبحانی و بیات (۱۳۹۳) نیز به مقایسه تأثیر بهبود نهادها بر درآمد سرانه در کشورهایی که عملکرد نهادی مطلوب و نامطلوب پرداختند. نتایج آنها نشان داد، تأثیر

³² Pesaran

³³ Isham, *et al.*

³⁴ Sala-I-Martin and Subramanian

³⁵ Mehlum, *et al.*

³⁶ Béland, and Tiagi

³⁷ Boschini, *et al.*

بهبود نهادهای سیاسی و اقتصادی بر درآمد سرانه کشورهای نفتی (عملکرد نامطلوب) بیشتر از کشورهای صنعتی (عملکرد نامطلوب) است.

بهبودی و دیگران (۱۳۹۱) نشان دادند، وفور منابع طبیعی دارای تأثیر منفی و معنادار و کیفیت نهادی تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی کشورهای نفتی دارد. آنها بیان داشتند عدم برخورد مناسب و منطقی با درآمدهای حاصل از وفور منابع طبیعی منجر به پایین آمدن سطح کیفیت نهادی شده که از این طریق باعث کاهش بیشتر رشد اقتصادی این کشورها شده است.

خیرخواه و دیگران^{۳۸} (۲۰۱۲)، در مطالعه خود نشان می‌دهند یکی از کانال‌های شومی منابع، اثر منفی قیمت نفت بر رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت می‌باشد. از طرفی اثر نوسانات قیمت نفت بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت بستگی به شاخص کیفیت نهادی آنها داشته است؛ به طوری که در کشورهایی با نهادهای خوب، نوسانات قیمت نفت اثر ضعیف‌تری بر رشد اقتصادشان داشته در حالی که کشورهای با نهادهای ضعیف از این نوسانات رنج برده‌اند. به گفته محققان عدم انطباق علامت متغیر نسبت سرمایه‌گذاری با تئوری‌های اقتصادی می‌تواند نشان‌دهنده ضعف کیفی در سرمایه‌گذاری، فساد و فعالیت‌های رانتی در کشورهای صادرکننده نفت باشد.

شاه آبادی و دیگران (۱۳۹۳)، نشان دادند، صادرات منابع طبیعی تأثیر منفی بر حکمرانی، کیفیت مقررات، تامین قضایی و کنترل فساد در این کشورها داشته است. اما با تقویت ساختارها و نهادهای اجرایی، فنی و نظارتی در کشورهای توسعه یافته عضو OECD، این تأثیر منفی، معنی دار نیست. آنها نتیجه گرفتند افزایش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات منابع طبیعی در کشورهای نفتی موجب کاهش پاسخگویی و شفافیت، چرخش مداوم سیاست‌های اقتصادی، گسترش رانت‌جویی، فساد و اقتدارگرایی و تاخیر در نیل به اهداف توسعه اقتصادی می‌شود.

بنابراین توجه به ملاحظات اقتصاد سیاسی و عوامل نهادی برای یک ارزیابی صحیح از اثرات درآمد نفت بر عملکرد اقتصاد کلان بسیار مهم و حائز اهمیت است، گرچه بررسی این عوامل نهادی بسیار پیچیده و مشکل است. از طرفی دستیابی به یک معیار و ملاک مناسب برای اندازه‌گیری فعالیت‌های رانت‌جویانه و کیفیت نهادی

بسیار مشکل خواهد بود و اغلب تلاش می‌شود تا از یک پروکسی مناسب که همبستگی بالایی با درآمدهای نفت دارد، استفاده شود.

۳- داده‌ها و روش‌شناسی

در مطالعه حاضر، از روش‌شناسی الگوهای خودتوضیح برداری پانل (PVAR) استفاده شده است؛ روشی که ترکیبی از رویکرد الگوهای خودتوضیح برداری و داده‌های ترکیبی است. در این روش تمام متغیرهای الگو، با رویکرد داده‌های ترکیبی، درون‌زا خواهند بود. این موضوع به ما اجازه می‌دهد تا ناهمگنی انفرادی نادیده شده نیز مورد بررسی قرار گیرد (لاو و زیچینو^{۳۹}، ۲۰۰۶).

الگوی PVAR همان ساختار الگوی VAR را دارد، یعنی تمام متغیرها درون‌زا و وابسته فرض شده‌اند، اما بعد سطح-مقطع نیز به الگو اضافه شده است. بنابراین نسخه پیشته شده y_{it} بردار G متغیرهایی برای هر واحد $i=1, \dots, N$ خواهد بود. $Y_t = (y'_{1t}, y'_{2t}, \dots, y'_{Nt})'$ نماد i کلی است و می‌تواند نشان‌دهنده کشورها، بخش‌ها، بازارها یا ترکیبی از آنها باشد. لذا یک الگوی PVAR به صورت زیر خواهد بود.

$$y_{it} = A_{0i} t + A_i l Y_{t-1} + u_{it} \quad i = 1, \dots, N \quad t = 1, \dots, T \quad (1)$$

که در آن برداری $G \times 1$ از جملات خطاست^{۴۰}. زمانی که متغیرهای برون‌زا نیز در الگو وجود داشته باشد، الگوی PVARX به صورت زیر خواهد بود.

$$y_{it} = A_{0i} t + A_i l Y_{t-1} + F_i(l)W_t + u_{it} \quad (2)$$

با توجه به بررسی مطالعات تجربی مختلف، مبانی نظری تأثیرگذاری درآمدهای نفت بر اقتصاد کلان با تأکید بر دو مکانیزم اصلی انتقال اقتصادی و سیاسی مورد بحث، الگوی مورد استفاده در این تحقیق در چارچوب روش‌شناسی خودتوضیح برداری پانل (PVAR) به شکل زیر خواهد بود:

$$Y_{it} = \Gamma' L Y_{it} + u_i + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

³⁹ Love and Zicchino

^{۴۰} جهت آشنایی بیشتر با الگوی PVAR به مطالعه لاو و زیچینو (Love and Zicchino, 2006) مراجعه نماید.

که در آن Y_{it} برداری شامل چهار متغیر، رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی به قیمت ثابت ۲۰۰۵ (GDPRATE)، نرخ تورم (INF)، لگاریتم درآمدهای نفت و گاز نسبت به GDP (OIL)، شاخص آزادی اقتصادی (EF) (متغیر آزادی اقتصادی موسسه هریتج، به عنوان پروکسی مکانیزم سیاسی) است. همچنین (L) ماتریس چند جمله‌ای از عملگر وقفه بطوریکه $\Gamma L = \Gamma_1 L^1 + \Gamma_2 L^2 + \dots + \Gamma_p L^p$ برداری از اثرات خاص کشور و ε_{it} بردار جملات خطا است.

اطلاعات و داده‌های مورد استفاده از بانک اطلاعاتی نماگرهای بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و موسسه هریتج، برای ۱۸ کشور^{۴۱} گردآوری شده است.

۴- نتایج تجربی

قبل از برآورد الگو، برای جلوگیری از بروز رگرسیون جعلی و اینکه لازمه استفاده از روش‌شناسی مورد نظر پایا بودن متغیرهاست، آزمون ریشه واحد برای بررسی پایایی یا ناپایایی متغیرهای الگو انجام گرفت.

۴-۱- آزمون پایایی

برای بررسی پایایی، آزمون‌های مختلفی نظیر آزمون لوین، لین و چو^{۴۲} (۲۰۰۲)، بریتون^{۴۳} (۲۰۰۰)، ایم، پسران و شین^{۴۴} (۲۰۰۳) و آزمون فیشر^{۴۵} با استفاده از آزمون‌های دیکی- فولر تعمیم‌یافته (ADF) و فیلیپس-پرون (PP)، وجود دارد. جدول (۱) نتایج آزمون پایایی متغیرهای الگو را نشان می‌دهد.

^{۴۱} آنگولا، الجزایر، بحرین، اکوادور، مصر، ایران، کویت، لیبی، مکزیک، نیجریه، نروژ، عمان، قطر، عربستان، سوریه، امارات متحده عربی، ونزوئلا و یمن

^{۴۲} Levin, Lin and Chu

^{۴۳} Breitung

^{۴۴} Im, Pesaran and Shin

^{۴۵} Fisher

جدول ۱: نتایج آزمون پایایی متغیرهای الگو

| نتیجه | سطح متغیر | | | | |
|-------|------------------|------------------|-----------------|-----------------|-----------|
| | PP-Fisher | ADF-Fisher | IPS | LLC | |
| I(۰) | ۱۰۹/۸۱ (۰/۰۰) | ۱۰۶/۱۷ (۰/۰۰) | -۶/۵۲ (۰/۰۰) | -۸/۰۹ (۰/۰۰) | GDPGROWTH |
| I(۰) | ۳۸۸/۸۲ (۰/۰۰) | ۱۱۲/۰ (۰/۰۰) | -۶/۴۲ (۰/۰۰) | -۶/۸۵ (۰/۰۰) | INF |
| I(۰) | ۴۶/۱۳ (۰/۱۲) | ۴۸/۵ (۰/۰۷) | -۲/۰۵ (۰/۰۲) | -۴/۴۴ (۰/۰۰) | LOIL |
| I(۰) | ۵۱/۰۶ (۰/۰۵) | ۶۸/۹۵ (۰/۰۰) | -۳/۵۸ (۰/۰۰) | -۳/۰۲ (۰/۰۰) | LEF |

مأخذ: یافته‌های پژوهش (داخل پرانتز، احتمال را نشان می‌دهد)

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای الگو در سطح پایا یا به عبارتی I(0) هستند.

پس از بررسی پایایی متغیرها، قدم بعدی در برآورد الگوهای خودتوضیح برداری، تعیین وقفه بهینه الگو است. بر این اساس انتخاب وقفه بهینه در الگوهای PVAR مشابه انتخاب وقفه بهینه در الگوی VAR با کمی تفاوت خواهد بود. آندرز و لو^{۴۶} (۲۰۰۱) معیاری ترکیبی برای مدل‌های GMM براساس آماره J هانسن^{۴۷} (۱۹۸۲) معرفی نمود. این معیار (MMSC) کاملاً مشابه معیارهای انتخاب مدل‌های درست‌نمایی محور، نظیر آکائیک (AIC) (آکائیک^{۴۸}، ۱۹۶۹)، بیزین (BIC) (بیزین، ۱۹۷۸؛ ريسانن، ۱۹۷۸؛ آکائیک، ۱۹۷۷)^{۴۹} و هنان-کوئین (HQIC) (هنان و کوئین^{۵۰}، ۱۹۷۹) است.

نتایج تعیین وقفه بهینه الگوی PVAR با حداکثر ۳ وقفه در جدول (۲) ارائه شده است.

⁴⁶ Andrews and Lu

⁴⁷ Hansen

⁴⁸ Akaike

⁴⁹ Schwarz, 1978. Rissanen, 1978. Akaike, 1977.

⁵⁰ Hannan and Quinn

جدول ۲: نتایج تعیین وقفه بهینه الگوی PVAR

| lag | J | J pvalue | MBIC | MAIC | MQIC |
|-----|-------|----------|---------|--------|---------|
| ۱ | ۴۸/۳۹ | ۰/۴۶ | -۲۱۱/۷۹ | -۴۷/۶۱ | -۱۱۳/۸۷ |
| ۲ | ۴۶/۲۰ | ۰/۰۵ | -۱۲۷/۲۹ | -۱۷/۸۰ | -۶۱/۹۸ |
| ۳ | ۵۱/۷۱ | ۰/۰۰ | -۳۵/۰۲ | ۱۹/۷۱ | -۲/۳۸ |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ملاحظه می‌شود بر اساس هر سه معیار معرفی شده توسط آندرز و لو^{۵۱} (۲۰۰۱) وقفه بهینه الگو یک به دست آمده است؛ چراکه در هر سه الگو، کمترین مقدار MBIC، MAIC و MQIC در وقفه اول به دست آمده است.

بر اساس وقفه بهینه بدست آمده در جدول (۲) الگوی تصریح شده (معادله ۳)، با استفاده از برآوردگر GMM مورد برآورد قرار گرفت. نتایج برآورد الگو در جدول (۳) گزارش شده است.

جدول ۳: نتایج برآورد الگوی PVAR

| | GDPRATE | INF | EF | OIL |
|---------------|------------------|-----------------|------------------|-----------------|
| GDPGROWTH(-۱) | ۰/۳۶ (۰/۰۰) | -۴/۷۸ (۰/۰۴) | ۰/۱۱ (۰/۳۲) | -۰/۱۵ (۰/۳۳) |
| INF(-۱) | ۰/۰۰۰۹ (۰/۸۸) | ۰/۶۵ (۰/۰۰) | ۰/۰۰۰۲ (۰/۹۷) | -۰/۵۲ (۰/۰۰) |
| EF(-۱) | -۰/۰۴۲ (۰/۷۹) | -۰/۱۲ (۰/۹۶) | ۰/۶۶ (۰/۰۰) | -۰/۷۹ (۰/۰۵) |
| OIL(-۱) | -۰/۰۳۸ (۰/۰۴) | ۱/۱۱ (۰/۰) | -۰/۰۵۳ (۰/۰۰) | ۰/۶۹ (۰/۰۰) |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

معمولاً ضرایب الگو بندرت مورد تفسیر قرار می‌گیرند و عمدتاً از توابع واکنش استفاده می‌شود. اما قبل از بررسی روابط بین متغیرها بر اساس توابع واکنش، مناسب است علیت بین متغیرهای مورد علاقه شامل رشد اقتصادی، درآمدهای نفت و گاز و آزادی اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. نتایج آزمون علیت گرنجری در جدول (۴) آمده است.

⁵¹ Andrews and Lu, 2001.

جدول ۴: نتایج آزمون علیت گرنجری

| احتمال | آماره کای دو | فرض صفر |
|--------|--------------|---|
| ۰۵۵/۰ | ۶۷/۳ | درآمدهای نفت و گاز علیت گرنجری آزادی اقتصادی است. |
| ۰۰/۰ | ۸۸/۵۲ | درآمدهای نفت و گاز علیت گرنجری رشد اقتصادی، تورم و آزادی اقتصادی است. |
| ۰۰/۰ | ۳۲/۲۱۴ | تورم علیت گرنجری رشد اقتصادی، تورم و آزادی اقتصادی است. |
| ۰۰/۰ | ۴۳/۱۹ | آزادی اقتصادی علیت رشد اقتصادی، تورم و آزادی اقتصادی است. |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

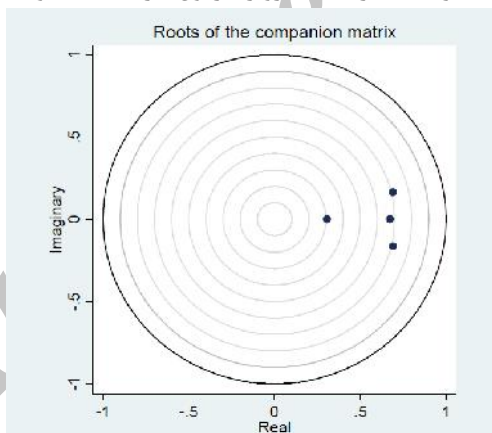
نتایج نشان می‌دهد، درآمدهای نفت و گاز بر آزادی اقتصادی اثرگذار است و در سطح اطمینان ۹۵ درصد علیت گرنجری آن محسوب می‌شود. جهت اطمینان از الگوی مورد برآورد و قابلیت اتکا بر نتایج توابع واکنش بایستی ابتدا شرط ثبات الگوی برآورد شده مورد سنجش قرار گیرد. نتایج در جدول (۵) و نمودار (۱) ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج جدول مقادیر ویژه آزمون شرط ثبات الگو

| مدول | مقدار ویژه | |
|------|------------|-------|
| | موهومی | واقعی |
| ۷۱/۰ | ۱۶/۰- | ۶۹/۰ |
| ۷۱/۰ | ۱۶/۰ | ۶۹/۰ |
| ۶۷/۰ | . | ۶۷/۰ |
| ۳۱/۰ | . | ۳۱/۰ |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نمودار ۱: گراف مقادیر ویژه آزمون شرط ثبات الگو

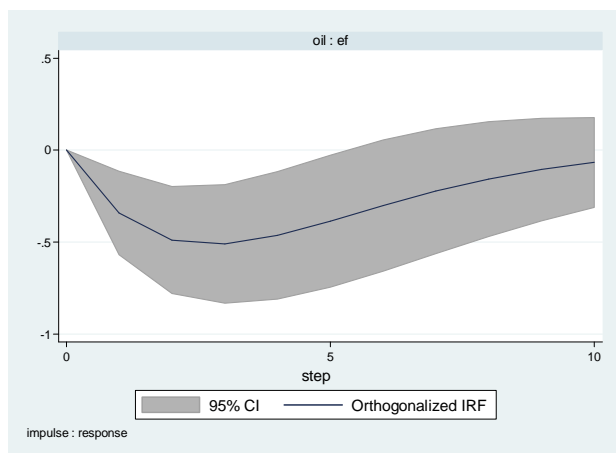


مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول (۵) و نمودار (۱) حاکی از آن است که برآورد انجام شده، باثبات است. در واقع تمام مقادیر ویژه داخل دایره واحد قرار دارند. توابع واکنش تکانه‌ای ابزار قدرتمندی است که اثر یک شوک وارده بر الگو را نشان می‌دهد. در واقع توابع واکنش تکانه‌ای توصیف‌کننده واکنش یک متغیر نسبت به یک شوک در سیستم است، در حالی که سایر اثر سایر شوک‌ها صفر در نظر گرفته می‌شود. از آنجاکه هدف اصلی این مطالعه بررسی واکنش نهادهای در برابر شوک درآمد نفتی است؛ لذا تابع واکنش تکانه‌ای را برای آزادی اقتصادی در واکنش به درآمد نفتی مختلف به دست آمده است.

نمودار (۲) اثر شوک درآمد نفت را بر آزادی اقتصادی نشان می‌دهد.

نمودار ۲: واکنش تکانه‌ای آزادی اقتصادی نسبت به شوک درآمد نفت

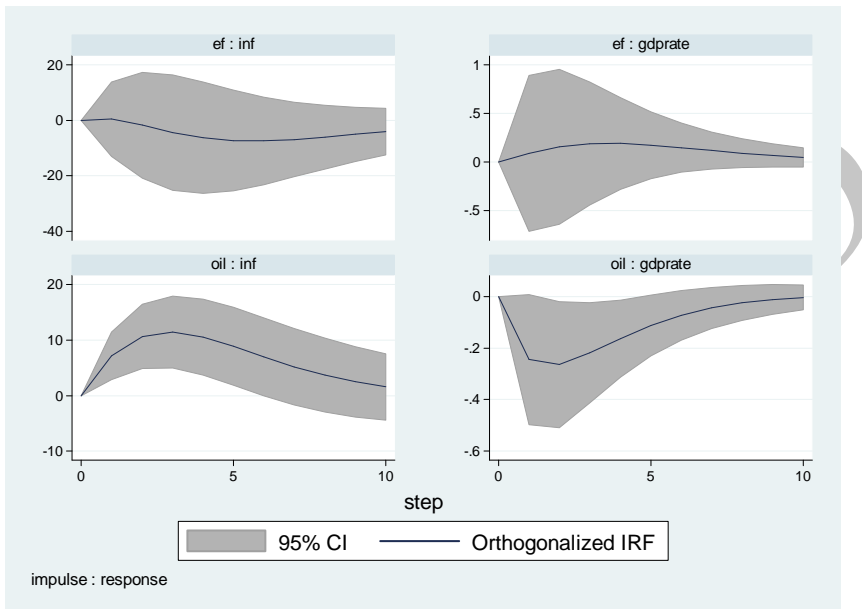


مأخذ: یافته‌های تحقیق

نمودار (۲) واکنش آزادی اقتصادی در برابر شوکی به اندازه یک انحراف معیار در درآمدهای نفتی را طی دوره ۱۰ ساله نشان می‌دهد. در این نمودار ملاحظه می‌شود، به واسطه افزایش درآمدهای نفت، آزادی اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت ابتدا کاهش یافته و پس از ۱۰ دوره اثر شوک میرا شده است. بر این اساس می‌توان ادعا نمود، افزایش درآمدهای نفتی منجر به بدتر شدن وضعیت نهادهای در این کشورها شده است.

با توجه به ثبات الگوی برآوردشده، اکنون می‌توان اثر سایر متغیرهای الگو را نیز مورد بررسی قرار داد. یکی از موضوعات مورد علاقه، اثر درآمدهای نفت و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای مورد بررسی است. در ادامه نمودار (۳)، اثر درآمدهای نفتی و کیفیت نهادها را بر مهمترین متغیرهای کلان، رشد اقتصادی و تورم، نشان داده است.

نمودار ۳: اثر درآمدهای نفت و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی و تورم



مأخذ: یافته‌های تحقیق

نمودار بالا نشان می‌دهد، یک شوک به اندازه یک انحراف معیار در آزادی اقتصادی باعث می‌شود تا تورم ابتدا کاهش یابد که این کاهش تا ۶ دوره ادامه خواهد داشت. سپس اثر شوک کمتر شده و به سمت صفر همگرا می‌شود. اثر شوک آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی نیز مطابق انتظار مثبت است. این شوک باعث می‌شود ابتدا رشد اقتصادی افزایش یابد و سپس طی زمان به سمت صفر میل نموده و اثر شوک میرا می‌شود. همچنین یک شوک به اندازه یک انحراف معیار در درآمدهای نفت باعث می‌شود تورم تا ۳ دوره افزایش یافته و سپس اثر آن کاهش یابد تا پس از ۱۰ دوره به سمت صفر میل کند. همچنین این شوک منجر به کاهش رشد اقتصادی در ۲ دوره

اول و میرا شدن این اثر طی ۸ دوره بعدی خواهد شد. این مهم می‌تواند موید فرضیه بیماری هلندی باشد.

۵- نتیجه‌گیری

این مطالعه به طور عملی رابطه بین درآمدهای نفت، نهادها و عملکرد اقتصاد کلان را مورد بررسی قرار داد. در این راستا از داده‌های ۱۸ کشور نفتی برای دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۶ و الگوهای خودتوضیح برداری پانل استفاده شد. ابتدا آزمون پایایی متغیرهای الگو انجام شد. سپس با استفاده از آماره J هانسن (۱۹۸۲)، که مشابه معیارهای انتخاب مدل‌های درست‌نمایی محور، نظیر آکائیک (AIC) (آکائیک، ۱۹۶۹)، بیزین (BIC) و هنان-کوئین (HQIC) است. نتایج نشان داد وقفه بهینه الگو، یک وقفه خواهد بود. در ادامه الگوی مورد مطالعه شامل چهار متغیر رشد اقتصادی، تورم، آزادی اقتصادی و درآمدهای نفت و گاز مورد برآورد قرار گرفت. در ادامه نتایج آزمون علیت گرنجری نشان داد، درآمدهای نفتی علیت گرنجری آزادی اقتصادی در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. همچنین آزمون شرط ثبات الگو حاکی از آن بود که تمام مقادیر ویژه داخل دایره واحد قرار دارند. در پایان با استفاده از توابع واکنش تکانه‌ای، اثر درآمدهای نفت بر آزادی اقتصادی (و نیز سایر متغیرهای الگو) مورد بررسی قرار داد.

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که درآمد نفت در کشورهای صادرکننده نفت، باعث تضعیف کیفیت نهادها در این کشورها خواهد بود که می‌تواند اثر منفی بر رشد اقتصادی نیز داشته باشد. این موضوع در این مطالعه به طور عملی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج به دست آمده، نشان از تأیید این نظریات دارد. بنابراین توجه به مدیریت منابع ارزی درآمدهای نفتی، موضوع بسیار بااهمیتی است چرا که سو مدیریت این منابع می‌تواند اثرات مخرب بسیاری بر اقتصاد کشورهای نفتی که ظرفیت جذب این درآمدها را ندارند، داشته باشد. این موضوع در شرایط فعلی کشور مبنی بر رفع تحریم‌ها و امکان صادرات مجدد نفت، بسیار حیاتی خواهد بود.

فهرست منابع

بهبودی، داود، حسین اصغرپور و نویده محمدلو. (۱۳۹۱). نقش کیفیت نهادی بر رابطه وفور منابع طبیعی و رشداقتصادی: مورد اقتصادهای نفتی. فصلنامه پژوهشها و سیاست‌های اقتصادی، ۶۲(۲۰): ۹۵-۱۱۶.

سبحانی، حسن و سعید بیات. (۱۳۹۳). مقایسه تاثیر بهبود نهادهای سیاسی و اقتصادی بر درآمد سرانه کشورهای صنعتی و نفتی. برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۹(۱): ۱۷۷-۱۵۰.

شاه‌آبادی، ابوالفضل، عبدالله پورجوان، مجتبی قربان‌نژاد و حسین امیری. (۱۳۹۳). تأثیر وفور منابع طبیعی بر عملکرد حکمرانی کشورهای برگزیده نفتی و توسعه یافته: رویکرد پانل GMM. تحقیقات مدل سازی اقتصادی، ۱۶: ۳۴-۱.

طیبنیا، علی، حمید زمان زاده و مهدیه شادرخ. (۱۳۹۳). نقش نهادها در بروز مصیبت یا موهبت منابع نفتی، یک.

الگوی رانت جویی با رویکرد تعادل عمومی تصادفی پویا. فصلنامه پژوهش‌های پولی - بانکی، ۲۱(۷): ۴۷۵-۴۴۳.

Akaike, H. (1969). Fitting Autoregressive Models For Prediction. *Annals Of The Institute Of Statistical Mathematics*, 21: 243-247.

Akaike, H. (1977). On Entropy Maximization Principle. In: Krishnaiah, P.R. (Ed.), *Applications Of Statistics*. Amsterdam: North-Holland.

Andrews, D.W.K. & B. Lu. (2001). Consistent Model And Moment Selection Procedures For GMM Estimation With Application To Dynamic Panel Data Models. *Journal Of Econometrics*, 101(1): 123-164.

Arezki, R. & F. Van Der Ploeg. (2007). Can The Natural Resource Curse Be Turned Into A Blessing? The Role Of Trade Policies And Institutions. CEPR Discussion Paper 6225.

Atkinson, G. & K. Hamilton. (2003). Savings, Growth And The Resource Curse Hypothesis. *World Development*, 31(11): 1793-1807.

Auty, R. (2007). The Natural Resources, Capital Accumulation And The Resource Curse. *Ecological Economics*, 61(1): 627-634.

Auty, R.M. (2001a). *Resource Abundance And Economic Development*. (Oxford: Oxford University Press).

Auty, R.M. (2001b). The Political Economy Of Resource-Driven Growth. *European Economic Review*, 45(4): 839-846.

- Béland, L. P. & R. Tiagi. (2009). *Economic Freedom And The "Resource Curse: An Empirical Analysis*. Studies In Mining Policy, Fraser Institute.
- Berger, P. L. & T. Luckmann. (1966). *The Social Construction Of Reality: A Treatise In The Sociology Of Knowledge*, Anchor Books, Garden City, NY.
- Bevir, M. (2013). *Governance: A Very Short Introduction*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- Boschini, A., J. Pettersson & J. Roine. (2007). Resource Curse Or Not: A Question Of Appropriability. *Scandinavian Journal Of Economics* 109(3): 593-617.
- Bulte, E., R. Damania & T. Deacon. (2005). Resource Intensity, Institutions, And Development. *World Development*, 33(7): 1029–1044.
- Cavalcanti, T., K. Mohaddes & M. Raissi. (2012). Commodity Price Volatility And The Sources Of Growth. *IMF Working Paper WP/12/12*.
- Chang, Ha-Joon (Ed.) (2007). *Institutional Change And Economic Development*, Anthem Press.
- Esfahani, H. S., K. Mohaddes & M. H. Pesaran. (2012b). Oil Exports And The Iranian Economy. *The Quarterly Review Of Economics And Finance*.
- Esfahani, H. S., K. Mohaddes & M. H. Pesaran. (2012a). An Empirical Growth Model For Major Oil Exporters. *Journal Of Applied Econometrics*,
- Glaeser, E., R. La Porta, F. Lopez-De-Silanes & Andrei Shleifer. (2004). Do Institutions Cause Growth?" *SSRN Working Paper (GLLS)*.
- Gylfason, T. (2001). Natural Resource, Education And Economic Development, *European Economic Review*, 45, Pp. 847-859.
- Hannan, E.J. & B.G. Quinn. (1979). The Determination Of The Order Of An Autoregression. *Journal Of The Royal Statistical Society, Series B*, 41(2): 190-195.
- Hansen, L.P. (1982). Large Sample Properties Of Generalized Method Of Moments Estimators. *Econometrica*, 50(4), 1029-1054.
- Hartford, T., M. Klein. (2005). Aid And The Resource Curse. *The World Bank Group, Private Sector Development Presidency Note No. 291* (Washington, DC: World Bank).
- Hodler, R. (2006). The Curse Of Natural Resources In Fractionalized Countries. *European Economic Review*, 50 (6): 1367-1386.
- Hufty, Marc. (2011). Investigating Policy Processes: The Governance Analytical Framework (GAF). In: Wiesmann, U., Hurni, H., Et Al.

Editors. *Research For Sustainable Development: Foundations, Experiences, And Perspectives*. Bern: Geographica Bernensia: 403–424.

Isham, J., L. Pritchett & M. Woolcock. (2001). *The Varieties Of The Rentier Experience: How Natural Resource Endowments And Social Institutions Affect Economic Growth*. Mimeo. The World Bank, Washington, DC.

Karl, T. (1997). *The Paradox Of Plenty: Oil Booms And Petro-States*. Berkley: University Of California Press.

Keikha, A., A. Keikha & M. Mehrara. (2012). *Institutional Quality, Economic Growth And Fluctuations Of Oil Prices In Oil Dependent Countries: A Panel Cointegration Approach*. *Modern Economy*, 3: 218-222.

Leite, C. & M. Weidmann. (1999). *Does Mother Nature Corrupt? Natural Resources, Corruption And Economic Growth*. IMF Working Paper WP/99/85.

Leong, W. & Mohaddes, K. (2011). *Institutions And The Volatility Curse*, Cambridge Working Papers In Economics 1145, Faculty Of Economics, University Of Cambridge.

Love, I. & L. Zicchino. (2006). *Financial Development And Dynamic Investment Behavior: Evidence From Panel VAR*. *Quarterly Review Of Economics And Finance*, 46(2): 190-210.

Mahdavy, H. (1970). *The Patterns And Problems Of Economic Development In Rentier States: The Case Of Iran*. In M. A. Cook (Ed.) *Studies In Economic History Of The Middle East*. London: Oxford University Press.

Mehlum, H., K. Moene & R. Torvik. (2006a). *Cursed By Resources Or Institutions? The World Economy*, 29(8): 1117-31.

Mehlum, H., K. Moene & R. Torvik. (2006b). *Institutions And The Resource Curse*. *Economic Journal*, 116(508): 1-20.

Mehlum, H., K. Moene & R. Torvik. (2003). *Institutions And The Resource Curse*, Memorandum 29/2002, Oslo University, Department Of Economics.

Mohaddes K. & M.H. Pesaran. (2013). *One Hundred Years Of Oil Income And The Iranian Economy: A Curse Or A Blessing? Cambridge Working Papers In Economics (CWPE 1302)*. Faculty Of Economics, University Of Cambridge.

North, D. C. (1981). *Structure And Change In Economic History*. New York: Norton & Co.

Papayrakis, E. & R. Gerlagh. (2007). Resource Abundance And Economic Growth In The U.S., *European Economic Review*, 51(4): 1011-1039.

Pesaran, M. H. (1982). The System Of Dependent Capitalism In Pre- And Post-Revolutionary Iran. *International Journal Of Middle East Studies* 14(4): 501.522.

Rodriguez, F. & J. D. Sachs. (1999). Why Do Resource-Abundant Economies Grow More Slowly?. *Journal Of Economic Growth* 4: 277.303.

Sachs, J., A. Warner. (1995). Natural Resource Abundance And Economic Growth. NBER Working Paper 5398.

Sala-I-Martin, X., A. Subramanian. (2003). Addressing The Natural Resource Curse: An Illustration From Nigeria. NBER Working Paper No. 9804.

Schwarz, G. (1978). Estimating The Dimension Of A Model. *Annals Of Statistics*, 6(2): 461-464.

Ushie, V., O. Adeniyi & S. Akongwale. (2012). Oil Revenues, Institutions And Macroeconomic Performance In Nigeria. CSEA Working Paper WPS/12/02.

Van Der Ploeg, F. & S. Poelhekke. (2010). The Pungent Smell Of "Red Herrings": Subsoil Assets, Rents, Volatility And The Resource Curse. *Journal Of Environmental Economics And Management* 60(1): 44.55.

Archive of SID